

متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز: ما انسان ها در مقامی نیستیم که در مقابل خداوند چون و چرا کنیم و کجا می توانیم برویم که خدا نباشد؟ با این حال و با وجود ترسی که درونم از پرسیدن این سوال وجود دارد می پرسم چون با سرپوش گذاشتن بر تردیدها نمی توان آن ها را از بین برد. به شنیده هایم در خصوص بهشت و جهنم با تجربه ای که در زندگی داشته ام رسیده ام، اینکه بهشت زندگی زیر سایه شریعت الهی است و جهنم همان تجسم گناهان است، همه اینها درست، ولی واقعا هدف از خلقت چه بوده است «الا لیعبدون» و «الا لیعرفون» گفته اند ولی با عظمتی که خدا دارد چه نیاز بوده است (گر جمله کائنات کافر گردند بر دامن کبریاش ننشیند گرد) معلوم است این احساس پوچی در درون انسان ها بوده که در پاسخ فرموده ما آسمان ها و زمین را بازیچه نیافریدیم. در آتش شدید گناهانم در حال سوختنم و پایانی نیز برایش نمی بینم (خالدین فیها) و در این جهنم خودساخته این پرسش برایم مطرح است اگر مرا خلق نکرده بود و یا حداقل در مواقعی از زندگی دستم را گرفته بود الان بخاطر رعایت نکردن قواعد این بازی در حال سوختن نبودم. برایم قابل درک نیست که خدایی که هیچ جا را از وجودش خالی نمی بینم و اگر بجای کل کائنات فقط یک مورچه خلق کرده بود برای اثبات عظمتش کافی بود با انسان ضعیف و حقیری مثل من اینطور عمل کند بقول فرد شوخی که می گفت خدایا مگه من هم قد تو هستم که سر به سرم می زاری. در پاسخ پرسشی فرموده بودید که ما خودمان خواسته ایم که باشیم مولوی می گوید ما نبودیم و تقاضامان نبود لطف تو ناگفته ما می شنود اگر منظور بروز صفت خلاقیت خداوند بوده چرا انسان خلق شده؟ چیزهای دیگه هم که خلق شده و می توانست خلق بشه. در کل می خوام بدونم که نهایتا سرنوشت انسان هایی مثل من که جزء ضایعات این کارخانه هستند چی میشه آیا وقتی صاحب کارخانه علیم حکیم است کارخانه ضایعات میتونه داشته باشه؟ مخلص کلام اینکه آخرش چی میشه؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حتماً با توجه به این که به این خوبی به میدان آمده‌اید می‌دانید هدف از خلقت در آن آیه‌ی مشهور، هدف مخلوق است نه هدف خالق که می‌فرماید جنّ و انس را خلق کردیم برای عبادت؛ بدین معنا که هدف جنّ و انس برای یافتن مقامی برتر عبادت است زیرا که خود حضرت حق، هدف است نه آن که دنبال هدفش باشد. غنی مطلق چیزی کم ندارد که بخواهد به آن برسد. ثانیاً: آیا وقتی موجودی امکان خلق شدن دارد، حضرت حق باید بخل بورزد و خلقت او را به او ندهد؟ یا

این که خلقت آن شیئی را به آن شیئی می‌دهد به همان معنایی که حضرت موسی و حضرت هارون «علیهما السلام» فرمودند: «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» و بعد از خلق کردن چیزی به نام انسان و هدایت او، آیا جز این است که او را با آنچه او کسب کرده روبه‌رویش می‌کنند؟ پس در واقع همان‌طور که در بحث «خدا چرا ما را خلق کرد» در ابتدای کتاب «آشتی با خدا» عرض شد در این‌گونه سؤال‌ها ما ناخودآگاه با اعتراض درونی به خودمان روبه‌روئیم و راهش هم مأیوس‌شدن نیست، بلکه به خودآمدن را باید پیشه کرد، زیرا که «با کریمان کارها دشوار نیست». بد نیست سری هم به شماره‌ی سؤال ۱۸۶۳۶ بزنید. موفق باشید